

بررسی رابطه بین محرومیت نسبی و هراس اجتماعی با استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده به شهر طبس

داریوش بوستانی، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

علی مرادی، استادیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد اسلام آباد غرب، ایران*

محمدرضا همتی فر، دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه رازی، ایران

چکیده

امروزه مسائلی مانند شکست در تحصیلات، استرس‌های اجتماعی، احساس ناامنی و حوادث منفی زندگی از جمله جدایی از والدین، ازدست‌دادن کار و یا محرومیت نسبی و هراس اجتماعی از عوامل اجتماعی هستند که بر استرس‌های فرهنگ‌پذیری در میان مهاجران واردشده به محیط‌های فرهنگی جدید تأثیر زیادی می‌گذارند. هدف این مقاله بررسی رابطه بین محرومیت نسبی و هراس اجتماعی با استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده به شهر طبس است. روش پژوهش در این مطالعه، پیمایش است و از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته برای اندازه‌گیری استفاده شده است. جامعه آماری، مهاجران واردشده به شهر طبس هستند که تعداد ۲۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای برای مطالعه انتخاب شدند. از اعتبار صوری و سازه برای روایی و آلفای کرونباخ برای پایایی ابزار استفاده شد. از روش‌های آماری ضریب همبستگی و تحلیل واریانس برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد رابطه‌ای معنی‌دار بین متغیرهای مستقل محرومیت نسبی ($r=0/56$)، هراس اجتماعی ($r=0/31$)، میزان تحصیلات ($r=0/19$) و متغیر وابسته استرس ناشی از فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده وجود دارد. همچنین وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل بر استرس‌های فرهنگ‌پذیری، تأثیری معنادار دارند. افزایش میزان هراس اجتماعی و محرومیت نسبی برای مهاجران واردشده به جامعه مقصد یا فرهنگ جدید، استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران را در ابعاد یکپارچگی و همانندی آن‌ها با فرهنگ جامعه مقصد می‌تواند کاهش دهد و به افزایش استرس‌های فرهنگ‌پذیری در دو بعد احساس جدایی و حاشیه‌نشینی منجر شود. می‌توان استنباط کرد افزایش میزان محرومیت نسبی و همچنین هراس اجتماعی در استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده به محیط فرهنگی جدید می‌تواند اختلال ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها: محرومیت نسبی، استرس فرهنگ‌پذیری، هراس اجتماعی، مهاجران واردشده.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از چالش‌های بزرگی که در راستای مهاجرت‌های بین فرهنگی، ذهن متفکران علوم اجتماعی را به خود مشغول کرده است، وضعیت سازگاری اجتماعی مهاجران در جامعه جدید است که یکی از نتایج فرایندهای فرهنگ‌پذیری می‌تواند بیان شود. مهاجرانی که از فرهنگ‌های مختلف با انواع زبان‌ها و آداب و رسوم خاص خود به مناطق فرهنگی متفاوت از فرهنگ اصلی آن‌ها می‌آیند، ممکن است دچار ضربه‌های روانی شدیدی در راستای انطباق با فرهنگ جامعه مقصد شوند (Balbo & Marconi, 2006: 707). مهاجرت به کشور و شهری جدید، فرایندی چندمرحله‌ای است و تأیید ضرورت و انطباق و یکپارچگی امری بس دشوار است. در جامعه میزبان، میزان یکپارچگی مهاجران به عوامل زیادی بستگی دارد؛ برای نمونه نیاز آن‌ها به داشتن زبان محلی، ایجاد شغل با درآمد کافی، وضعیت قانونی، شرکت در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی، دسترسی به خدمات اجتماعی و نیز انتظارات و اهداف آن‌ها (Lee, 2004: 400). بیشتر مهاجران تازه‌وارد معمولاً تمایل دارند در جوامع قومی و نژادی اسکان یابند، جامعه‌هایی که شبکه‌های کمک‌رسانی اجتماعی دو طرفه به آن‌ها این اطمینان را می‌دهد که در صورت بی‌میلی یا ناتوانی، مؤسسات داخلی از آن‌ها حمایت خواهند کرد. امروزه، فرایند همانندسازی به دلیل سرعت و مهاجرت بسیار پیچیده‌تر از گذشته شده است. با وجود اینکه فقط درصد کمی از جمعیت کامل شهری به چشم می‌خورد؛ حضور مهاجران به‌وفور در میان ساکنان داخلی آشکار است (Balbo & Marconi, 2006: 710). آنچه ممکن است در این قرن متفاوت باشد، میزان مهاجرت‌ها با انگیزه‌ها و خواسته‌هایی (برخی از آن‌ها جنجالی) است که بستری است که در آن شخص باید برای سازگاری با محیط میزبان الزامی در نظر داشته باشد و نیز اگر می‌خواهد از اختلال‌های اجتماعی مهم پرهیز کند، از آن ابزارها برای سازگاری با بافت و بستر اجتماع جدید بتواند استفاده کند (Azmat, 2010: 382). ضرورت این‌گونه

پژوهش‌ها، مسائلی است که ممکن است با ورود مهاجران به وجود بیاید. سردرگمی فرهنگی، تضاد فرهنگی، بیگانگی فرهنگی، بحران هویت، اختلال‌های روانی، حاشیه‌نشینی و مواردی از این قبیل برای هر دو گروه می‌تواند زیان‌بار باشد (Moghaddas & Amiri, 2006: 3).

در این پژوهش، وضعیت سلامت روانی در بین مهاجران شهر طبس بررسی می‌شود. با وجود اینکه در چند دهه اخیر روند مهاجرت‌ها در ایران افزایش یافته است؛ جهت، سرعت و شدت آن در همه مناطق کشور یکسان نبوده است. شهر طبس نیز به علت قرارگرفتن در محل انشعاب راه‌های اصلی مشهد - یزد، اصلی‌ترین عامل گسترش مهاجرت در این شهر می‌تواند تلقی شود. علاوه بر این، خشکسالی‌های پی در پی هم باعث روی آوردن بخشی از جمعیت روستاها به این شهر شده است. مسلماً همه این مهاجران شرایط یکسانی را تجربه نمی‌کنند. بسیاری از آن‌ها با پیشینه فرهنگی متفاوت در این جامعه دچار مشکلات و مسائلی در زمینه سلامت روانی می‌شوند. بر اساس این، هدف کلی این مطالعه، بررسی رابطه بین محرومیت نسبی و هراس اجتماعی با استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده به شهر طبس است. در راستای این هدف، اهداف جزئی این مقاله به‌صورت زیر است:

۱. ارائه توصیفی از استرس‌های فرهنگ‌پذیری (یکپارچگی، همانندی، جدایی، حاشیه‌نشینی) مهاجران واردشده به شهر طبس.
۲. تعیین نقش محرومیت نسبی در استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده به شهر طبس.
۳. تعیین نقش هراس اجتماعی در استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده به شهر طبس.
۴. تعیین رابطه بین مؤلفه‌های جمعیتی و استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده به شهر طبس.

پیشینه پژوهش

کلبِر و کنیچپر (2000) پژوهشی با عنوان «مهاجرت غنایی‌ها به هلند، سلامت عمومی و فشار فرهنگ‌پذیری و برخورداری از مراقبت‌های سلامت روانی» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش کلبِر و همکارانش نشان داد حمایت اجتماعی در سلامت روانی مهاجران مؤثر است؛ یعنی افرادی که از حمایت‌های اجتماعی بیشتری برخوردارند، نسبت به آن‌هایی که بدون حمایت‌های اجتماعی بودند کمتر مشکلات روانی داشتند (Kleber & Knipscheer, 2000: 58-79).

تامپسون (2002) نیز پژوهشی با عنوان «زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی سلامت روانی مهاجران فیلیپینی در استرالیا» انجام دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد حمایت‌های اجتماعی، پیوندهای مشترک مثل هویت فرهنگی، زبان و علائق مشترک در سازگاری آن‌ها و سلامت روانی‌شان می‌تواند نقش مهمی داشته باشند (Thompson, 2002: 67).

به‌طور کلی در بیشتر مطالعات انجام‌شده داخلی، تمرکز اساسی بر متغیرهای جمعیت‌شناسی و ارتباط آن‌ها با سلامت روانی است و از به‌کارگیری متغیرهای اجتماعی فرهنگی کوتاهی کرده‌اند. این در حالی است که بحث استرس‌های فرهنگ‌پذیری به چند متغیر جمعیت‌شناختی محدود نمی‌شود. مطالعات خارجی هم بیشتر بر صرفاً یک متغیر متمرکز شده‌اند. به‌طور کلی بررسی جامع مسأله به نظریه‌ای جامع نیاز دارد که تمام جوانب را در نظر بگیرد. همچنین طراحی پیچیده‌ای برای اندازه‌گیری متغیرهای دخیل لازم است تا نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده تأثیرات متغیرهای پیش‌بین باشند. از سویی جامعه آماری، تحلیل‌های مربوط و همچنین دیدگاه‌های نظری در این پژوهش متفاوت هستند.

مروری بر مباحث نظری

بر اساس نظریه‌های تحلیلی مهاجرت و فرهنگ‌پذیری، محرومیت نسبی مهاجران و هراس اجتماعی، میانجی ایجاد دامنه‌ای وسیع از متغیرها شامل پذیرش جامعه میزبان، درجه شباهت بین فرهنگ اصلی و فرهنگ جدید است. به همین

نتایج حاصل از مطالعات نشان می‌دهد بین عوامل جامعه‌شناسی و استرس‌های فرهنگ‌پذیری، رابطه وجود دارد. ایمان و مرادی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه بین استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری و سلامت روانی مهاجران شهر کرمانشاه» به این نتیجه دست یافتند که رابطه‌ای معنی‌دار بین متغیرهایی مانند راهبردهای فرهنگ‌پذیری و سلامت روان ($r=0/74$)، فرهنگ‌پذیری در مقصد و سلامت روان ($r=0/119$) و مدت اقامت با سلامت روان ($r=0/41$) وجود دارد (ایمان و مرادی، ۱۳۸۸: ۱۴۷-۱۷۰).

فرانک و همکاران (2010) در پژوهشی، ادراک نوجوانان ایرانی-امریکایی از حمایت، آگاهی و کنترل روان‌شناختی والدین و رابطه آن را با خودکارایی عمومی و اعتماد به نفس آن‌ها بررسی کردند. اطلاعات این پژوهش به‌صورت پرسشنامه خودگزارشی ۱۱۸ نفر از دانش‌آموزان مدرسه خصوصی ارمنیان جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد اعتماد به نفس، آگاهی پدر و مادر و کنترل روان‌شناختی آن‌ها به‌طور مستقیم با خودکارایی عمومی رابطه دارند. همچنین ویژگی‌های والدین به‌طور غیرمستقیم با خودکارایی عمومی رابطه دارند (Frank et al., 2010: 738-847).

اوتمن و وان (2005) پژوهشی با عنوان «نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی و نگرش‌های فرهنگ‌پذیری در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی و روانی مهاجران در هلند» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد نگرش‌های فرهنگ‌پذیری مستقیماً بر سلامت روانی تأثیر نمی‌گذارند، بلکه به‌صورت غیرمستقیم و از راه موفقیت‌های تحصیلی و کاری بر آن تأثیر می‌گذارند (Otman & Van, 2005: 251-272).

لی (2004) در پژوهشی با عنوان «حمایت اجتماعی: سپر استرس‌های فرهنگ‌پذیری» در میان دانشجویان کره‌ای به این نتیجه رسیدند که این متغیر، رابطه‌ای مثبت با سلامت روانی دانشجویان دارد. همچنین دانشجویانی که از سطح بالایی از حمایت اجتماعی برخوردارند، استرس فرهنگ‌پذیری کمتری دارند (Lee, 2004: 399-414).

فرهنگی به صورت حاد و فزاینده رشد پیدا کند به خصوص زمانی که نارضایتی با فرایند مقایسه اجتماعی همراه باشد، اعضای جامعه آمادگی ورود به رفتارهای خشن و ناپه‌نچار اجتماعی را پیدا می‌کنند (Turner & Killian, 1987: 25).

ج. دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی: در قالب دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، گروهی از انسان‌شناسان، مهاجرت و حرکت‌های بین فرهنگی را مطالعه کرده‌اند. از جمله این اندیشمندان، ردفیلد^۲ و همکارانش (1936) بودند که به اهمیت تماس‌های دست اول مداوم بین فرهنگ‌های متفاوت توجه کردند که عنصر اساسی فرهنگ‌پذیری مهاجران است (Padilla, 2003: 36). گروهی دیگر از انسان‌شناسان، بعد دیگری به نام روان‌شناختی در فرایند فرهنگ‌پذیری مهاجران را به مدل ردفیلد اضافه کردند. از جمله این اندیشمندان، پادیللا (1980) و کیف^۳ (1987) بودند. آنان برخلاف رویکردهای کیفی، مدلی چندبعدی و خطی از این فرایند ارائه داده و فرهنگ‌پذیری مهاجران در جامعه مقصد را به دو بعد فراساختاری فرهنگ، به نام «آگاهی فرهنگی» و «وفاداری قومی» نسبت دادند (Padilla, 2003: 38). استونکوئیست^۴ (1964) با تأکید بر میزان استرسی که بر مهاجر وارد می‌شود، میزان انطباق مهاجر در جامعه مقصد را بررسی است و آن را با عنوان احساس انزوای مهاجر؛ یعنی «حاشیه نشینی» بیان می‌کند (اکبری، ۱۳۸۲). گیدنز^۵ (۱۳۸۹) از سه مدل ادغام قومی نام می‌برد: مدل اول، همانندی است؛ یعنی مهاجرانی که وارد یک جامعه می‌شوند، از آداب و رسوم و کارهای اولیه خود دست بردارند و رفتار خود را بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اکثریت شکل دهند. مدل دوم، کوره ذوب^۶ است. در این مدل به جای آنکه سنت‌های مهاجران به نفع سنت‌های غالب از میان برود، این دو سنت در هم می‌آمیزند تا الگوی فرهنگی جدید و تحول‌یافته ایجاد کنند. مدل سوم، کثرت‌گرایی فرهنگی است.

دلیل این نکته اهمیت دارد که استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری را برای پیش‌بینی احتمال پریشانی‌ها و ناراحتی‌های روان‌شناختی ناشی از مهاجرت‌ها بررسی کنیم، اهمیت دیگر مطالعه ارتباط بین محرومیت نسبی مهاجران و هراس‌های اجتماعی و ارتباط آن‌ها با استرس‌های ناشی از فرهنگ‌پذیری در زندگی مهاجران، نقش فرهنگ در تعریف و بیان مشکلات استرس‌های ناشی از فرهنگ‌پذیری است. افراد مهاجر اغلب با محرومیت اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو می‌شوند و به همین دلیل آن‌ها به اعمال غیرقانونی هم چون خرید و فروش مواد مخدر، دارو و دسترسی غیرقانونی به اطلاعات، جنایت‌های سازمان‌دهی‌شده و وحشتناک دست می‌زنند. تصور منفی از این پدیده جمعیت در داخل تا حدی شدید است که باید عواملی از جمله مدیریت‌های مهاجرت، افزایش امنیت، کنترل و کاهش جنبه‌های منفی مهاجرت بین‌المللی به شهرها اجرا شود.

الف. رویکرد کارکردگرایی^۱: این رویکرد، مهاجرت را از زاویه‌ای کارکردگرایانه بررسی می‌کند. اساس این دیدگاه عوامل و نتایج مهاجرت است. استدلال این رویکرد این است که نیازهای اجتماعی در چارچوب نظام اجتماعی به وجود می‌آیند. از آن جایی که نیاز کنش‌گران محدود نیست و کنش‌گران در طول زمان ایستا نیستند؛ نوعی ناهماهنگی بین نظام ایستا و کنش‌گر پویا به وجود می‌آید که به مهاجرت شخص برای کاهش این ناهماهنگی منجر می‌شود (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۱).

ب. نظریه محرومیت نسبی: تبیین‌های نظری از نوع محرومیت نسبی، ریشه‌های رفتارهای ناسازگارانه را در شخصیت افراد جستجو می‌کنند. آن‌ها بر متغیرهایی چون نارضایتی اجتماعی، ناسازگاری اجتماعی، حاشیه‌ای شدن و احساس محرومیت به خصوص محرومیت نسبی تأکید می‌کنند (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۵۲). بر اساس این، وقتی میزان نارضایتی و ناکامی در میان مهاجران واردشده در محیط‌های جدید

² Redfield

³ Keefe

⁴ Stonqueist

⁵ Giddens

⁶ Melting pot

¹ Functionalism Approach

حاشیه‌ای می‌دید (کیوسیتو، ۱۳۸۳: ۱۸۴-۱۸۵).

چارچوب نظری پژوهش

از آنجا که هر یک از مدل‌های فرهنگ‌پذیری و سازگاری برای مهاجران، تا حدی ابعاد و زوایای این مسأله را می‌تواند آشکار کند؛ هیچ کدام از آن‌ها به صورت جامع، نمی‌توانند چارچوبی در اختیار قرار دهند که بر اساس آن سناریوهای مربوط به مهاجران واردشده در یک فرهنگ جدید را بتواند ترسیم کند. در این مطالعه سعی می‌شود دیدگاه نظری جان بری^۷ برای چارچوب نظری در قالب رهیافت روان‌شناسی اجتماعی بررسی شود؛ بنابراین چارچوب نظری این مقاله از رهیافت روان‌شناسی اجتماعی و به طور خاص نظریه جان بری برگرفته شده است. بری معتقد است وضعیت سازگاری اجتماعی و روانی پایین‌تر برای مهاجران با قتل و جنایت، خودکشی، خشونت خانوادگی و تغییر در الگوهای سلامت جسمانی همراه است. بعضی از مشکلات سلامت روانی یا فیزیکی به دلیل منبع جدید بیماری‌ها افزایش می‌یابد و فشارهای روانی را افزایش می‌دهند (Bjerrejord, 2002: 35). راهبرد فرهنگ‌پذیری بری، بر اساس نگرش افراد برای حفظ فرهنگ اصلی خود و نگرش آن‌ها به فرهنگ جامعه میزبان پی‌ریزی شده است. بری در چارچوب نظری فرهنگ‌پذیری خود، چهار نوع استراتژی فرهنگ‌پذیری را ارائه می‌دهد. قضایای بری به شرح زیر هستند:

۱. یکپارچگی: منظور از یکپارچگی این است که شخص مهاجر به فرهنگ جامعه مبدأ پایبند است، در حالی که با فرهنگ جامعه مقصد نیز ارتباط دارد و به آن هم پایبند است. در یکپارچگی، نوعی دو فرهنگی واقعی وجود دارد و وفاداری به هر دو فرهنگ، نوعی همبستگی اجتماعی به وجود می‌آورد.

۲. همانندی: منظور از همانندی این است که فرد هویت فرهنگی خود را از دست می‌دهد و به فرهنگ جامعه مقصد

از این منظر بهترین راه، حمایت از ایجاد جامعه متکثر راستینی است که در آن اعتبار و اهمیت مساوی برای خرده‌فرهنگ‌های متعدد و متفاوت به رسمیت شناخته شود (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۷۳). بری فرهنگ‌پذیری را فرایند دوگانه تغییر روان‌شناسی و فرهنگی می‌داند که نتیجه تماس دو یا چند گروه فرهنگی با شماری از عناصر فرهنگی خاص خودشان است (Berry, 2005). راهبرد فرهنگ‌پذیری بری، بر اساس نگرش افراد برای حفظ فرهنگ اصلی خود و نگرش آن‌ها به فرهنگ جامعه میزبان پی‌ریزی شده است. وی در قالب این دو پرسش، چهار نوع استراتژی فرهنگ‌پذیری را به نام همانندی^۱، یکپارچگی^۲، جدایی^۳ و حاشیه‌نشینی^۴ نام می‌برد (Padilla, 2003: 34).

د. دیدگاه فرهنگی رابرت پارک: از نظر پارک^۵ مهاجرت حاصل رقابت افراد مهاجر برای نیل به منابعی است که در آینده سبب اختلاف و کشمکش حتی در شرایط خاص (مانند فرضیه شرطی) وجود ندارد. بر اساس این، منابع نادر و کمیاب، توزیع ناعادلانه منابع و همچنین تمایل نداشتن دولت برای اداره حکومت به دلیل تفاوت آداب و رسوم فرهنگی و ظرفیت گروه مهاجر به اختلال‌های فرهنگی منجر می‌شود (Landis, 2008: 339). از دیدگاه پارک (1914)، مهاجران در گذار از دنیای کهن خود به دنیای جدید، اغلب جابه‌جایی‌های دردناکی را تجربه می‌کنند. تازه‌واردان بین دو محیط فرهنگی زندگی می‌کنند؛ یعنی آن‌ها دیگر بخشی از فرهنگ قدیمی خود نبودند؛ اما بخشی از فرهنگ جدید نیز نبودند و این همان چیزی است که پارک آن را «تضعیف روحیه» یا «درهم ریختگی» شخصی می‌نامد. به نظر پارک این امر در نهایت به دشواری‌های بالقوه مانند بیماری‌های روانی، خودکشی و اعمال تبه‌کارانه کمک می‌کند. او تا اندازه‌ای، همان‌گونه که زیمل^۶ شخصیت بیگانه را مشخص کرد، مهاجر را انسانی

¹ Assimilation

² Integration

³ Separation

⁴ Marginalization

⁵ Park

⁶ Simmel

⁷ Berry

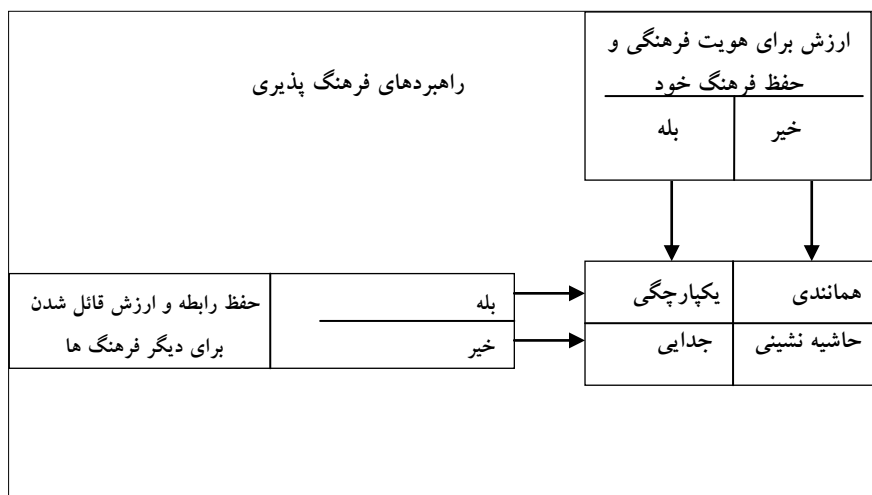
ایجاد می‌کند. به نظر وی یکپارچگی، شکلی از سازگاری است که بهترین مدل برای سلامت روانی ترسیم می‌کند؛ زیرا این مدل، پایین‌ترین سطوح از فشارهای روانی و فرهنگ‌پذیری را دارد. به نظر وی در این استراتژی، استرس فرهنگ‌پذیری در پایین‌ترین حد خود است. برعکس این استراتژی، حاشیه‌نشینی بالاترین سطح فشار روانی را برای مهاجران ایجاد می‌کند و بالاترین سطح استرس فرهنگ‌پذیری را دارد؛ زیرا در این استراتژی فرد نسبت به دو فرهنگ بیگانه می‌شود و دو استراتژی جدایی و همانندی نیز هر کدام سطوح متفاوتی از فشارهای روانی را برای مهاجران ایجاد می‌کند (مرادی، ۱۳۸۵: ۵۲؛ Berry, 2005: 700). اهمیت عوامل فرهنگی و روان‌شناختی بری در این چهار نوع استراتژی درباره فرهنگ‌پذیری و مدل او تنها به هویت فرهنگی و آرزوی واردشدن به محیط فرهنگی جدید مربوط است. بر اساس مدل فرهنگ‌پذیری بری، ما باید انتظار داشته باشیم مهاجرانی که با فرهنگ بومی، همبستگی و یکپارچگی دارند، نسبت به افراد در سه نوع مدل دیگر، سطح پایین‌تری از فشارهای روانی فرهنگ‌پذیری و سلامت روانی بهتری داشته باشند (Koch, 2003: 373).

یا «میزبان» روی می‌آورد. در همانندی، فرد مهاجر در فرهنگ جامعه میزبان ادغام می‌شود و به شیوه و آداب و رسوم فرهنگی جامعه میزبان عمل می‌کند. در این مرحله مهاجر اولویت را به فرهنگ جامعه میزبان می‌دهد.

۳. جدایی: جدایی در نظر بری، حفظ فرهنگ اصلی خود و نبود رابطه با جامعه میزبان است. جدایی برای مهاجر وقتی رخ می‌دهد که علاقه‌مندی به فرهنگ خودی وجود دارد و افراد به فرهنگ سنتی خودشان اهمیت می‌دهند؛ اما هیچ توجهی به فرهنگ جامعه میزبان ندارند.

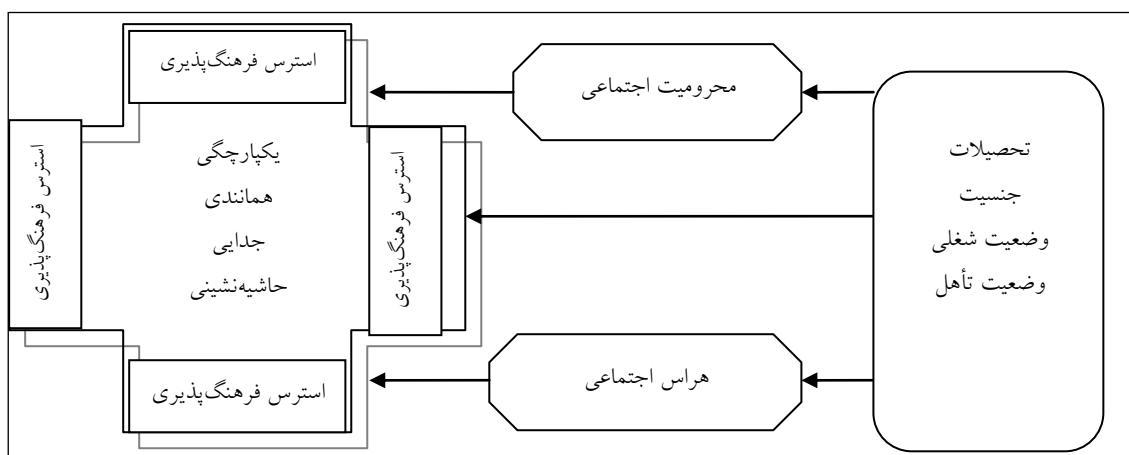
۴. حاشیه‌نشینی: استراتژی چهارم در مدل بری، حاشیه‌نشینی است. حاشیه‌نشینی زمانی رخ می‌دهد که یک فرد مهاجر هم فرهنگ قومی خود و هم فرهنگ جامعه میزبان را طرد می‌کند. بری مدل حاشیه‌نشینی را بیگانگی دوگانه می‌داند؛ زیرا در این استراتژی، نبود وفاداری به دو فرهنگ (فرهنگ قومی و فرهنگ میزبان) وجود دارد (Bhugra, 2004: 244).

بری معتقد است تغییرات در سازگاری روانی افراد در این چهار مدل متفاوت است (مدل ۱)؛ زیرا هر یک از استراتژی‌ها، سطوحی متفاوت از فشارهای فرهنگ‌پذیری را



نمودار ۱- مدل فرهنگ‌پذیری بری (Berry, 1998: 54)

نمودار ۲ روابط بین متغیرهای پژوهش را در قالب مدل تجربی پژوهش نشان می‌دهد.



نمودار ۲- مدل تجربی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

۱. میانگین استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران برحسب وضعیت شغلی با هم تفاوتی معنادار دارد.
۲. میانگین استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران برحسب وضعیت تأهل با هم تفاوتی معنادار دارد.
۳. میانگین استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران برحسب جنسیت با هم تفاوتی معنادار دارد.
۴. میانگین استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران برحسب محل سکونت قبلی با هم تفاوتی معنادار دارد.
۵. بین هراس اجتماعی و استرس‌های فرهنگ‌پذیری، ارتباطی معنادار وجود دارد.
۶. بین محرومیت نسبی و استرس‌های فرهنگ‌پذیری، ارتباطی معنادار وجود دارد.
۷. بین میزان تحصیلات و استرس‌های فرهنگ‌پذیری، ارتباطی معنادار وجود دارد.

روش پژوهش

از آنجا که این پژوهش، واقعی (استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده) را از بیرون نگاه می‌کند؛ رویکرد پژوهش، کمی و روش استفاده‌شده، پیمایش است. جمع‌آوری داده‌ها با پرسشنامه محقق‌ساخته ساختاریافته انجام شد. پرسشنامه به دو صورت (پرسش‌های باز و پرسش‌های بسته) تدوین و

بحث استرس ناشی از فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده به شهر طبس، پدیده‌ای فراگیر است و به دغدغه اصلی برخی سازمان‌های مرتبط تبدیل شده است. بر اثر مطالعه و شناخت عوامل اساسی تشکیل‌دهنده آن به نوسازی، بازسازی و احیای عوامل حاکم بر فرایند فرهنگ‌پذیری مهاجران می‌توان دست زد و بخش‌های ناکارآمد و یا مخرب فرایند استرس ناشی از فرهنگ‌پذیری را در بین مهاجران اصلاح و یا حذف کرده و نسبت به تقویت مؤلفه‌های تأثیرگذار اقدام کرد.

با دستیابی به نتایج نسبت به برنامه‌ریزی مفید، آگاهی فزون‌تر مدیران درخصوص واقعیت‌های موجود در باب سازگاری روانی و علل رخداد‌های فرهنگی فعلی درخصوص استرس ناشی از فرهنگ‌پذیری به گونه‌ای عمیق‌تر، افزایش توجه جدی دست‌اندرکاران و مدیران به برنامه‌ریزی دقیق و مبتنی بر اهداف سلامتی، دست‌یافتن به بافت و ساخت زندگی مهاجران به شناخت عمیق‌تر درباره استرس‌های ناشی از فرایند فرهنگ‌پذیری، اختلال‌های مؤثر در سلامت روانی مهاجران، دلایل ناکارآمدی و مشکلات روانی آن‌ها می‌توان اقدام کرد. به‌طور کلی متغیر محرومیت نسبی از دیدگاه کارکردگرایی و هراس اجتماعی به صورت غیرمستقیم از نظریه رابرت پارک و ابعاد مختلف استرس‌های فرهنگ‌پذیری نیز از رویکرد بری نشأت گرفته است.

برای سنجش مفاهیم به صورت زیر اقدام شد:

۱. استرس فرهنگ‌پذیری: عبارت است از مشکلاتی که در فرایند فرهنگ‌پذیری در فرهنگی جدید برای افراد اعم از مشکلات فیزیکی و روانی به وجود می‌آید (Kosic, 2004: 273). این مفهوم بر اساس چهار بعد فرهنگ‌پذیری بری (یکپارچگی، همانندی، جدایی و حاشیه‌نشینی) با استفاده از ۱۷ گویه در مقیاس طیف لیکرت سنجش شد، به گونه‌ای که به کاملاً موافق، کد ۵ و به کاملاً مخالف، کد ۱ تعلق گرفت.

۲. محرومیت نسبی: محرومیت نسبی به صورت برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی آنان تعریف می‌شود. انتظارات ارزشی، شرایط زندگی و کالاهایی هستند که مردم خود را مستحق آن‌ها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی، کالاها و شرایطی هستند که آن‌ها فکر می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آن‌ها را دارند. در این پژوهش، احساس محرومیت نسبی بین مهاجران وارد شده در شاخص‌هایی چون امکانات رفاهی (غذا، مسکن، خدمات بهداشتی و آسایش مادی)، قدرت (تمایل به مشارکت در تصمیم‌گیری جمعی، رأی‌دادن، شرکت در رقابت سیاسی و عضویت در گروه‌های سیاسی) و ارزش‌های بین اشخاص (رضایت روانی، احترام و عاطفه) سنجیده می‌شود (گار، ۱۳۷۹: ۳۴). این متغیر با استفاده از پرسشنامه سنجش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت با ۸ گویه سنجش شد.

۳. هراس اجتماعی: هراس اجتماعی (که گاهی اضطراب اجتماعی نیز خوانده می‌شود) به ترس شدید از قرارگرفتن در موقعیت‌های اجتماعی اطلاق می‌شود. پرسشنامه هراس اجتماعی را نخستین بار کانور و همکاران (2000) برای ارزیابی هراس اجتماعی تهیه کردند (Conor, 2000: 379). این پرسشنامه، اعتبار و پایایی بالایی دارد. فتحی آشتیانی (۱۳۸۸) مقدار آلفای آن را بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ به دست آورد. پرسشنامه هراس اجتماعی، یک مقیاس خودسنجی ۱۷ پرسشی است که بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت درجه‌بندی سنجش شد.

در پژوهش حاضر از اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده و برای به دست آوردن پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شده

به صورت حضوری در میدان پژوهشی توزیع شد (تعداد و چگونگی سنجش پرسش‌ها در تعریف مفاهیم آمده است). جامعه آماری، مهاجران وارد شده به شهر طبرس است. واحد مورد مطالعه در این مقاله یکی از اعضای خانوار است که می‌تواند از سن ۲۰ سال به بالا باشد. از آنجا که هیچ آمار رسمی و مشخصی از مهاجران وجود نداشت، پس از جستجوی اولیه و جمع‌بندی آمارهای غیررسمی که آگاهان محلی و برخی از مسؤولان در اختیار پژوهشگران گذاشتند، تعداد مهاجران ۸۰۰ خانوار تخمین زده شد. در محاسبه اولیه، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، با لحاظ سطح اطمینان ۹۵ درصد، پارامتر ۵۰ درصد و خطای ۵/۸ درصد، ۲۸۵ نفر برآورد شد. به این علت که حجم نمونه بیش از ۵ درصد جامعه آماری برآورد شد، از فرمول تصحیح بیس (رفیع‌پور، ۱۳۶۰) استفاده شد و حجم نمونه به ۲۱۰ مورد کاهش یافت. در پایان، پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و کنارگذاشتن پرسشنامه‌های ناقص، اطلاعات ۲۰۰ پرسشنامه، استخراج و تجزیه و تحلیل شد.

معمولاً ویژگی‌های جامعه آماری از قبیل حجم، پراکندگی و میزان اطلاعات، تعیین‌کننده شیوه نمونه‌گیری است. در صورتی که چارچوب نمونه‌گیری مشخص نباشد، شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای توصیه می‌شود (دواس، ۱۳۷۶: ۷۴؛ بی، ۱۳۸۸: ۲۱۳). در پژوهش حاضر نیز به علت مشخص نبودن چارچوب نمونه‌گیری، از این شیوه استفاده شد. کار نمونه‌گیری به این صورت آغاز شد که یکی از پژوهشگران - که خود از مهاجران طبرس بود - با کند و کاو اولیه سه منطقه از شهر را توانست مشخص کند که پراکندگی مهاجران در آن مناطق، بالا، متوسط و پایین بود. در مرحله بعد، از سه منطقه، ۲۱ خوشه انتخاب شد که برای کاهش خطای پوشش، از مناطق با تراکم بالا و متوسط، خوشه‌های بیشتری انتخاب شد و در پایان، از درون خوشه‌ها پس از تعیین تعداد مهاجران، به طور تصادفی نمونه‌هایی انتخاب و با آن‌ها مصاحبه شد.

تعریف مفاهیم و متغیرها

حفظ کنم و هم به آداب و رسوم مردم در اینجا احترام بگذارم (X1). ۲. در اینجا ضمن اینکه فرهنگ اصلی خود را نگه داشته‌ام، در جنبه‌های مختلف زندگی آن‌ها نیز مشارکت می‌کنم (X2). ۳. هرچند با آداب و رسوم رایج در این شهر زندگی می‌کنم؛ تمام آداب و رسوم قبلی خود را نیز حفظ می‌کنم (X3). ۴. من همیشه در حفظ آداب و رسوم فرهنگی خودم تلاش می‌کنم. آن‌ها میراث فرهنگی هستند. (X4). ۵. من در اینجا بر اساس آداب و رسوم فرهنگی رایج در این شهر رفتار می‌کنم (X5). ۶. سعی می‌کنم به شیوه جدید در این شهر زندگی کنم، نه آن شیوه زندگی قدیمی (X6). ۷. در این شهر از اصالت فرهنگی خودم دست برداشتم و عمل، زبان و سبک زندگی مردم اینجا را پذیرفتم (X7). ۸. من به ارزش‌های فرهنگی در این شهر بیشتر از ارزش‌های فرهنگی خودمان اهمیت می‌دهم (X8). ۹. من مایل هستم دوستان و آشنایانی در این شهر داشته باشم تا افرادی از هم‌ولایتی‌های خودم (X9). ۱۰. از اینکه به این شهر آمدم، پشیمانم (X10). ۱۱. من فکر می‌کنم بهتر است زندگی جدیدی را در جایی دیگر شروع کنم (X11). ۱۲. از وقتی که به اینجا آمده‌ام زندگی‌ام نه تنها بهتر نشده، بلکه بدتر هم شده است (X12). ۱۳. اگرچه فشار برای دست برداشتن از رویه زندگی قبلی خودمان وجود دارد؛ باید مقاومت کرد (X13). ۱۴. معمولاً برای کنار آمدن با زندگی در این شهر تحت فشار هستم (X14). ۱۵. من مایل هستم با فردی از فرهنگ خودم ازدواج کنم (X15). ۱۶. من از انجام دادن فعالیت‌های اجتماعی با مردم در دیار خودم لذت می‌برم (X16). ۱۷. من در بین هم‌ولایتی‌های خودم بیشتر از اینجا احترام داشتم (X17).
داده‌های جدول نشان‌دهنده این واقعیت است که گویه‌های مربوط به این متغیر با هم در بین برخی گویه‌ها همبستگی مناسبی دارند و برای برخی از آن‌ها همبستگی چندان مناسبی وجود ندارد؛ مثلاً بین دو گویه X1 «تحت فشارم» و X4 «حفظ دو فرهنگ» هیچ همبستگی وجود ندارد، در عین حال بین دو گویه X5 و X8 همبستگی مناسبی وجود دارد. بررسی دقیق الگوی همبستگی‌ها نشان می‌دهد گویه‌ها به صورت خوشه‌هایی گرد هم آمده‌اند، به گونه‌ای که گویه‌های

است. گفتنی است اعتبار این ابزارها را مرادی (۱۳۸۵) با مقدار ۰/۸۷، ایمان و مرادی (۱۳۸۷) با مقدار ۰/۸۳ و همچنین تامپسون (2000) با مقدار ۰/۸۷ به دست آورده‌اند. میزان آلفای کرونباخ برای استرس‌های فرهنگ‌پذیری برابر ۰/۸۱، محرومیت نسبی برابر ۰/۷۹ و برای هراس اجتماعی ۰/۷۷ بود که نشان‌دهنده پایایی یا مناسب بودن ابزار پژوهش است. برای ارزیابی اعتبار سازه‌ای ضمن استناد به مبانی نظری از تحلیل عاملی^۱ تأییدی استفاده شد. در تحلیل عاملی تأییدی^۲ پژوهشگر به دنبال تهیه مدلی است که فرض می‌شود داده‌های تجربی را بر پایه چند پارامتر نسبتاً اندک، توصیف، تبیین یا توجیه می‌کند. این مدل بر اطلاعات پیش‌تجربی درباره ساختار داده‌ها مبتنی است که به شکل یک نظریه یا فرضیه، یک طرح طبقه‌بندی‌کننده معین برای گویه‌ها در انطباق با ویژگی‌های عینی شکل و محتوا، شرایط معلوم تجربی و یا دانش حاصل از مطالعات قبلی درباره داده‌های وسیع می‌تواند باشد. روش‌های تأییدی (آزمون فرضیه) تعیین می‌کنند که داده‌ها با یک ساختار عاملی معین (که در فرضیه آمده است) هماهنگ هستند یا نه. نتایج حاصل از تحلیل عامل برای متغیر استرس‌های فرهنگ‌پذیری نشان می‌دهد کلیه گویه‌های آن بر یک بار عاملی قرار گرفتند. آزمون KMO در این ماتریس برای استرس‌های فرهنگ‌پذیری برابر ۰/۸۴ بود که کفایت نمونه را تعیین می‌کند و آزمون کرویت بارتلت در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان معنی‌داری است که تفکیک درست عامل‌ها را بیان می‌کند. طیف استرس‌های فرهنگ‌پذیری بر اساس چارچوب نظری پژوهش در ۴ عامل (یکپارچگی، همانندی، جدایی و حاشیه‌نشینی) دسته‌بندی شده است. با استفاده از تحلیل عاملی، نتیجه‌ای مشابه این دسته‌بندی بر اساس چارچوب نظری به دست آمد. جدول ۱ ماتریس همبستگی ابعاد مختلف متغیر استرس ناشی از فرهنگ‌پذیری را در تحلیل عامل نشان می‌دهد. پرسش‌های زیر برای معرفی Xهای جدول آمده‌اند:

۱. من سعی دارم در اینجا هم آداب و رسوم خودم را

¹ Factor Analysis

² Confirmatory factor analysis

هر خوشه با همدیگر همبستگی دارند و با گویه‌های موجود در خوشه‌های دیگر همبستگی ندارند.

جدول ۱- ماتریس همبستگی گویه‌های مختلف متغیر استرس فرهنگ پذیری در تحلیل عامل

گویه	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15	X16	X17
X1	۱																
X2	۰/۴۷	۱															
X3	۰/۴۸	۰/۲۲	۱														
X4	۰/۴۳	۰/۱۴	۰/۶۸	۱													
X5	-۰/۲۲	۰/۱۱	-۰/۰۷	-۰/۰۳	۱												
X6	۰/۱۰	۰/۰۶	-۰/۱۸	-۰/۱۲	۰/۴۴	۱											
X7	۰/۰۹	-۰/۲۰	-۰/۰۹	-۰/۰۷	۰/۳۱	۰/۵۱	۱										
X8	-۰/۱۵	۰/۲۸	-۰/۰۹	-۰/۰۶	۰/۳۷	۰/۱۷	۰/۲۴	۱									
X9	۰/۲۹	-۰/۱۸	-۰/۲۱	-۰/۰۹	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۲۸	۰/۴۸	۱								
X10	۰/۲۱۰	-۰/۳۶۴	-۰/۰۳۲	-۰/۰۹۱	-۰/۳۵۶	-۰/۲۳۹	-۰/۱۴۵	-۰/۳۵۵	۰/۵۹۵	۱							
X11	۰/۲۷۴	-۰/۴۰۸	-۰/۲۲۲	-۰/۲۳۶	-۰/۳۸۹	-۰/۳۰۵	-۰/۳۰۲	-۰/۴۴۳	۰/۵۸۲	۰/۴۹۵	۱						
X12	۰/۳۲۵	-۰/۴۳۸	-۰/۱۴۱	-۰/۰۱۹۸	-۰/۴۹۳	-۰/۲۶۲	-۰/۲۸۷	-۰/۴۸۷	۰/۳۴	۰/۴۴	۰/۳۳	۱					
X13	۰/۲۱۰	-۰/۳۶۴	-۰/۰۳۲	-۰/۰۹۱	-۰/۳۵۶	-۰/۲۳۹	-۰/۱۴۵	-۰/۳۵۵	۰/۵۶	۰/۴۳	۰/۶۸	۰/۶۰	۱				
X14	۰/۰۵	-۰/۴۰۸	-۰/۰۲۲	-۰/۴۴	-۰/۳۸۹	۰/۳۰۵	۰/۳۰۲	-۰/۴۱	-۰/۰۱	۰/۲۰	۰/۳۳	۰/۲۴	۰/۶۹	۱			
X15	۰/۴۴	-۰/۰۷۶	-۰/۰۰۲	-۰/۳۲	-۰/۰۹	۰/۳۶۲	-۰/۲۴	۰/۰۸۸	۰/۰۲	۰/۲۳	۰/۲۰	۰/۲۴	۰/۶۹	۰/۵۵	۱		
X16	۰/۱۲	-۰/۰۳۴	-۰/۰۳۲	-۰/۳۳	-۰/۰۴۴	۰/۰۵۶	۰/۱۴۵	-۰/۰۶۸	-۰/۲۲	۰/۰۹	۰/۲۳	۰/۲۴	۰/۶۹	۰/۵۵	۰/۷۸	۱	
X17	۰/۱۵	-۰/۰۲۵	-۰/۰۰۹	-۰/۰۱۱	-۰/۰۴۴	۰/۱۱	۰/۳۰۲	-۰/۰۲۲	۰/۲۱	۰/۰۹۱	۰/۲۱	۰/۲۴	۰/۶۹	۰/۵۵	۰/۷۸	۰/۷۸	۱

KMO= ۰/۸۶ Bartlett Test Sphericity= ۳۵۶۸/۸ Sig= ۰/۰۰۰

ضریب همبستگی و تحلیل واریانس برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد.

برای اینکه بدانیم چه گویه‌ای به چه عاملی اختصاص دارد، از «دوران عامل^۱» استفاده می‌شود. از پرکاربردترین روش‌های دوران عامل «دوران واریماکس^۲» است. این روش تعلق هر گویه به یک عامل را برای ما مشخص می‌کند. در این روش ضرایب کم و زیاد ماتریس دوران‌یافته، تعلق متغیرها به عامل‌ها را به‌وضوح نشان می‌دهد. جدول ۲ نحوه توزیع گویه‌ها را در بین عامل‌ها نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

داده‌های پژوهش، حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که ۲۰۰ نفر مهاجر واردشده در شهر طبس تکمیل کرده و سپس با استفاده از بسته نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی^۳ تجزیه و تحلیل شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است. از روش‌های آماری

جدول ۲- ماتریس عامل دوران یافته

گویه‌ها	عامل ۱ یکپارچگی	عامل ۲ جدایی	عامل ۳ هماندی	عامل ۴ حاشیه‌نشینی
X1	۰/۶۴			
X2	۰/۸۹			
X3	۰/۸۴			
X4	۰/۶۷			
X5		۰/۸۲		
X6		۰/۸۵		
X7		۰/۷۹		
X8		۰/۶۵		
X9		۰/۷۲		
X10			۰/۷۷	
X11			۰/۷۲	
X12			۰/۶۱	
X13			۰/۲۸	
X14				۰/۵۴
X15				۰/۸۱
X16				۰/۹۱
X17				۰/۹۰

^۱ Factor Rotation

^۲ Varimax Rotation

^۳ Statistical Package for Social Science (SPSS)

از نظر وضعیت شغلی ۲۴/۶ درصد از مهاجران کارمند، ۲۷ درصد شغل آزاد، ۲۱/۶ درصد بیکار جویای کار، ۱۲ درصد محصل و دانشجو و بقیه خانه‌دار و بازنشسته بودند. شاخص توصیفی دیگر سکونت قبلی در این شهر است که ۴۶ درصد آن‌ها قبلاً در روستا بوده‌اند و ۵۴ درصد آن‌ها از شهر دیگری به طبس آمده‌اند.

نتایج توصیفی این داده‌ها به این صورت است: از تعداد نمونه آماری اختصاص یافته برای این پژوهش، ۵۷/۳ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۲/۷ درصد نیز زن هستند. شاخص دیگر در این پژوهش، وضعیت تأهل بود که نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان را افراد متأهل تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که ۷۵ درصد آن‌ها متأهل و تنها ۲۵ درصد آن‌ها مجرد هستند.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ویژگی‌های فردی

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	درصد فراوانی	مد یا نما
	کارمند دولت	۵۰	۲۴/۶	
	شغل آزاد	۵۴	۲۷	
وضعیت شغلی	بیکار جویای کار	۴۳	۲۱/۶	شغل آزاد
	محصل و دانشجو	۲۴	۱۲	
	خانه‌دار	۷	۳/۶	
	بازنشسته	۸	۴/۲	
وضعیت تأهل	مجرد	۵۰	۲۵	متأهل
	متأهل	۱۵۰	۷۵	
جنسیت	مرد	۱۱۴	۵۷	
	زن	۸۶	۴۴	مرد
محل سکونت قبلی	روستا	۹۲	۴۶	شهرهای دیگر
	شهر دیگر	۱۰۸	۵۴	

۵۹/۷۴ است. این میانگین در مقایسه با میانگین مورد انتظار (برابر ۵۱) در حد بالاتری است. متغیر دیگر در این مجموعه هراس اجتماعی است. میانگین میزان هراس اجتماعی برابر ۶۸/۲۹ است که این مقدار در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۵۱) شدت بیشتری دارد و نشان‌دهنده بالابودن سطح هراس اجتماعی برای مهاجران وارد شده به محیط فرهنگی جدید است. متغیر دیگر، محرومیت نسبی است. میانگین میزان محرومیت نسبی برابر ۲۶/۱۷ است که این مقدار در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۲۴) به طور نسبی مقدار بیشتری دارد و نشان‌دهنده بالابودن سطح محرومیت نسبی برای مهاجران وارد شده به محیط فرهنگی جدید است.

همچنین میانگین سنی پاسخگویان برابر ۳۱/۸۹ است. این میانگین در دامنه سنی ۲۲ (حداقل سن افراد) تا ۵۷ (حداکثر سنی افراد) قرار دارد. میانگین تحصیلات پاسخگویان برابر

جدول ۴ توزیع متغیرهای فاصله‌ای را برحسب شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد. در این قسمت از تحلیل سعی شده است میانگین واقعی متغیرها (که حاصل پاسخ مهاجران وارد شده به شهر طبس است) با میانگین مورد مقایسه (که حاصل ضرب تعداد گویه‌های هر متغیر در عدد ۳ یا بی‌نظر است) مقایسه شود. همچنین حد بالا و حد پایین نمرات نیز مشخص شده است.

نتایج حاصل نشان می‌دهد میانگین میزان استرس ناشی از فرهنگ‌پذیری برای پاسخگویان در بعد یکپارچگی برابر ۱۵/۰۴، در بعد همانندی برابر ۱۹/۴۸، در بعد جدایی برابر ۱۷/۱۴ و در بعد حاشیه‌نشینی برابر ۱۶/۳۸ است. این میانگین‌ها در مقایسه با میانگین مورد انتظار برای مؤلفه‌های فوق به ترتیب برابر (۱۲، ۱۵، ۱۲ و ۱۲) بیشتر است. گفتنی است میانگین استرس ناشی از فرهنگ‌پذیری به طور کلی برابر

۱۰/۶۵ کلاس بود که افراد پاسخگو میانگین سواد پایینی داشتند. متغیر دیگر، مدت زمان مهاجرت است که میانگین آن برابر ۱۲/۸ سال به دست آمد و این مقدار در فاصله سال‌های ۱ تا ۳۲ سال قرار دارد.

جدول ۴- توزیع متغیرهای در مقیاس فاصله‌ای برحسب شاخص توصیفی

نام متغیر	ابعاد متغیر	فراوانی		انحراف معیار
		میانگین	مورد انتظار	
مدت زمان مهاجرت	۲۰۰	۱۲/۸۱	---	۳/۴۹
میزان تحصیلات	۱۹۲	۱۰/۶۵	---	۳/۰۶
استرس‌های فرهنگ‌پذیری (بعد یکپارچگی)	۱۹۸	۱۵/۰۴	۱۲	۲/۷۱
(بعد همانندی)	۱۹۸	۱۹/۴۸	۱۵	۲/۶۱
(بعد جدایی)	۱۹۷	۱۷/۱۴	۱۲	۳/۰۲
(بعد حاشیه‌نشینی)	۱۹۸	۱۶/۳۷	۱۲	۳/۱۱
استرس‌های فرهنگ‌پذیری	۱۹۸	۵۹/۷۴	۵۱	۱۱/۵۹
محرومیت نسبی	۱۹۷	۲۶/۱۷	۲۴	۸/۷۲
هراس اجتماعی	۱۹۸	۶۸/۲۹	۵۱	۱۲/۴۵

مشاهده‌شده بین میانگین‌ها در طبقات مختلف متغیر وضعیت شغلی با هم متفاوت است و این فرضیه تأیید شده است و تفاوت مشاهده‌شده بر اساس آزمون F برای متغیر وضعیت شغلی با مقدار ۲/۳۶ و سطح معنی‌داری ۰/۰۲۴ تأیید می‌شود.

فرضیه شماره ۱: وضعیت شغلی بر استرس‌های فرهنگ‌پذیری، تأثیری معنادار دارد.

جدول ۵ آزمون تفاوت میانگین نمره میزان استرس فرهنگ‌پذیری مهاجران را برحسب وضعیت شغلی با استفاده از آزمون آنوا نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد تفاوت

جدول ۵- تفاوت میانگین استرس‌های فرهنگ‌پذیری برحسب ویژگی‌های فردی با استفاده از آنوا و تی مستقل

نام متغیر	نام مقوله	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون F	معناداری
وضعیت شغلی	کارمند دولت	۴۸/۱۳	۵/۷۵	۲/۳۶	۰/۰۲۴
	شغل آزاد	۴۵/۶۸	۵/۴۵		
	بیکار جویای کار	۵۴/۵۰	۴/۶۰		
	محصل و دانشجو	۴۸/۶۵	۶/۱۷		
	خانه‌دار	۴۷/۹۱	۶/۸		
	بازنشسته	۴۲/۵۰	۵/۵۱		

وضعیت تأهل با هم متفاوت است و این تفاوت مشاهده‌شده بر اساس آزمون تی گروه‌های مستقل برای متغیر وضعیت تأهل با مقدار ۳/۵۳ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ تأیید می‌شود.

فرضیه شماره ۲: وضعیت تأهل بر استرس‌های فرهنگ‌پذیری، تأثیری معنادار دارد.

نتایج حاصل از جدول ۶ نشان می‌دهد تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین‌های در طبقات مختلف متغیر

جدول ۶- تفاوت میانگین استرس‌های فرهنگ‌پذیری برحسب ویژگی‌های فردی با استفاده از آنوا و تی مستقل

نام متغیر	نام مقوله	میانگین	انحراف معیار	مقدار آزمون	معناداری
وضعیت تأهل	مجرد	۴۴/۱۸	۵/۷۳	۳/۵۳	۰/۰۰۰
(آزمون T)	متاهل	۴۸/۵۱	۶/۰۹		

هراس اجتماعی با بعد یکپارچگی در استرس فرهنگ‌پذیری $(F = -0/34)$ ، با بعد همانندی در استرس فرهنگ‌پذیری $(F = -0/41)$ ، با بعد جدایی در استرس فرهنگ‌پذیری $(F = 0/33)$ و با بعد حاشیه‌نشینی در استرس‌های فرهنگ‌پذیری $(F = 0/14)$ معنادار است. این نتیجه نشان می‌دهد بالارفتن هراس اجتماعی مهاجران واردشده در فرهنگ جدید به کاهش میزان یکپارچگی و همانندی و برعکس افزایش میزان جدایی و حاشیه‌نشینی آن‌ها با جامعه مقصد منجر می‌شود.

فرضیه‌های شماره ۳ و ۴ یعنی (جنسیت و محل سکونت قبلی مهاجر) بر استرس‌های فرهنگ‌پذیری، تأثیر معناداری نداشتند. میانگین نمره استرس‌های فرهنگ‌پذیری برای مردان و زنان و همچنین برای متغیر محل سکونت قبلی با هم تفاوت معناداری نداشته‌اند؛ بنابراین فرضیه‌های مذکور رد می‌شوند. فرضیه شماره ۵: بین هراس اجتماعی و استرس‌های فرهنگ‌پذیری، ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۷ ضریب همبستگی پیرسون بین هراس اجتماعی و استرس‌های فرهنگ‌پذیری را نشان می‌دهد. رابطه بین

جدول ۷- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و ابعاد مختلف استرس‌های فرهنگ‌پذیری

ابعاد استرس‌های فرهنگ‌پذیری	متغیرهای مستقل	همبستگی پیرسون	معناداری
استرس‌های فرهنگ‌پذیری یکپارچگی	هراس اجتماعی	-0/34	0/000
همانندی	هراس اجتماعی	-0/41	0/000
جدایی	هراس اجتماعی	0/33	0/000
حاشیه‌نشینی	هراس اجتماعی	0/14	0/013

جدول ۸- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و ابعاد مختلف استرس‌های فرهنگ‌پذیری

ابعاد استرس‌های فرهنگ‌پذیری	متغیرهای مستقل	همبستگی پیرسون	معناداری
استرس‌های فرهنگ‌پذیری یکپارچگی	محرومیت نسبی	-0/55	0/000
همانندی	محرومیت نسبی	-0/57	0/000
جدایی	محرومیت نسبی	0/52	0/000
حاشیه‌نشینی	محرومیت نسبی	0/63	0/000

فرضیه شماره ۶: بین محرومیت نسبی و استرس‌های فرهنگ‌پذیری، ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۸ ضریب همبستگی پیرسون بین محرومیت نسبی و استرس‌های فرهنگ‌پذیری را نشان می‌دهد. رابطه بین محرومیت نسبی با بعد یکپارچگی در استرس فرهنگ‌پذیری $(F = -0/55)$ با بعد همانندی در استرس فرهنگ‌پذیری $(F = -0/57)$ و با بعد جدایی در استرس فرهنگ‌پذیری $(F = 0/52)$ و با بعد حاشیه‌نشینی در استرس‌های فرهنگ‌پذیری $(F = 0/63)$ معنادار است. این نتیجه نشان می‌دهد بالارفتن محرومیت نسبی مهاجران واردشده در فرهنگ جدید به کاهش میزان یکپارچگی و همانندی و برعکس افزایش میزان جدایی و حاشیه‌نشینی آن‌ها با جامعه مقصد منجر می‌شود.

فرضیه شماره ۷: بین میزان تحصیلات و استرس‌های فرهنگ‌پذیری، ارتباط معناداری وجود دارد.

حاشیه‌نشینی ($r = -0/11$) معنادار است. این نتیجه نشان می‌دهد بالارفتن میزان تحصیلات مهاجران وارد شده در فرهنگ جدید به افزایش میزان یکپارچگی و همانندی و برعکس کاهش میزان جدایی و حاشیه‌نشینی آن‌ها با جامعه مقصد کمک می‌کند.

جدول ۹ ضریب همبستگی پیرسون بین میزان تحصیلات و استرس‌های فرهنگ‌پذیری را نشان می‌دهد. از دیگر نتایج حاصل از پژوهش میزان تحصیلات مهاجران وارد شده به جامعه مقصد است. رابطه بین میزان تحصیلات با بعد یکپارچگی در استرس فرهنگ‌پذیری ($r = 0/21$)، با بعد همانندی ($r = 0/18$)، با بعد جدایی ($r = -0/26$) و با بعد

جدول ۹- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و ابعاد مختلف استرس‌های فرهنگ‌پذیری

معناداری	همبستگی پیرسون	متغیرهای مستقل	ابعاد استرس‌های فرهنگ‌پذیری
۰/۰۰۴	۰/۲۱	میزان تحصیلات	استرس‌های فرهنگ‌پذیری یکپارچگی
۰/۰۰۱	۰/۱۸	میزان تحصیلات	همانندی
۰/۰۰۰	-۰/۲۶	میزان تحصیلات	جدایی
۰/۰۲۶	-۰/۱۱	میزان تحصیلات	حاشیه‌نشینی

رگرسیونی شده، میزان تحصیلات پاسخگویان است. مقدار بتا برای آن برابر $0/18-$ بوده است که بر اساس آزمون T برابر $2/40$ است. این چهار متغیر روی هم‌رفته توانسته‌اند مقدار R را به 50 درصد و مقدار R^2 را به 49 درصد برسانند. معادله رگرسیون چندمتغیره در این پژوهش به صورت زیر است:

برای تعیین وجود خودهمبستگی در این پژوهش از آزمون دوربین - واتسون^۲ استفاده شده است. مقدار دوربین واتسون در این پژوهش برابر $1/58$ است که نشان می‌دهد جملات خطا مستقل از همدیگر عمل کرده‌اند و از یکدیگر اثرپذیری ندارند. آزمون F در این جدول نشان می‌دهد حداقل یکی از متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته مؤثر بوده‌اند. مقدار $27/14$ برای آزمون F با سطح معناداری $Sig.T = 0/000$ به این معناست که بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، رابطه خطی مستقیمی وجود دارد و این نشان می‌دهد رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته نمی‌تواند تصادفی به دست آمده باشد. مقدار $Constsnt$ همان مقدار a در معادله رگرسیون بوده که برابر $44/07$ است. این مقدار در معادله رگرسیون به مقدار ثابت معروف است. گفتنی است

رگرسیون چندمتغیره

نتایج حاصل از جدول ۱۰ نشان می‌دهد چهار متغیر میزان محرومیت نسبی، میزان هراس اجتماعی، وضعیت تأهل و تحصیلات به ترتیب میزان اهمیتی که در بین متغیر وابسته (استرس فرهنگ‌پذیری) داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. اولین متغیری که وارد معادله رگرسیونی شده است محرومیت نسبی است که مقدار بتا برای آن برابر $0/28$ است. این مقدار برحسب آزمون T و سطح معناداری حداقل مقدار 29 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تعیین و پیش‌بینی می‌کند. دومین متغیری که وارد معادله رگرسیونی شده است، میزان هراس اجتماعی است که میزان همبستگی چندگانه آن (R) متغیر وابسته برابر $0/47$ به دست آمده است. مقدار آزمون T برای این متغیر برابر $3/24$ و سطح معناداری آن $Sig.T = 0/001$ است. سومین متغیری که وارد معادله رگرسیونی شده است، وضعیت تأهل (مجرد) است. این متغیر با میزان بتا ($0/14$) و مقدار آزمون $T=2/97$ در سطح حداقل 95 درصد معنادار است. چهارمین متغیری که وارد معادله

^۱ با توجه به اینکه این متغیر اسمی بود، به‌ناچار به مجردها کد ۱ و متأهلان کد صفر اختصاص داده شد؛ بنابراین تحلیل‌ها بر اساس جنسیت مرد انجام شد.

^۲ Durbin-Watson

روش استفاده شده برای رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام بوده است. از آنجا که تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرهای مستقل تأثیرگذار در متغیر وابسته، اهمیت زیادی برای

برنامه‌ریزان دارد و همچنین اولویت‌بندی این تأثیرات با این روش امکان‌پذیر است، از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد.

جدول ۱۰- تحلیل چندگانه متغیرهای مستقل برای پیش‌بینی میزان استرس‌های فرهنگ‌پذیری

مرحله	نام متغیر	B	Beta	مقدار t	مقدار R	R ²	فشار معناداری
۱	محرومیت نسبی	۰/۴۲	۰/۲۸	۴/۱۵	۰/۲۹	۰/۲۹	
۲	هراس اجتماعی	۵/۶۰	۰/۱۸	۳/۲۴	۰/۴۷	۰/۴۶	
۳	وضعیت تأهل (مجرد)	۴/۲۳	۰/۱۴	۲/۹۷	۰/۴۹	۰/۴۷	۲۷/۱۴
۴	میزان تحصیلات	-۰/۳۶	-۰/۱۸	۲/۴۰	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۰۰۷

Constant=۴۴/۰۷

Durbin-Watson = ۱/۵۸

بحث و نتیجه

در جامعه روبه‌رشد کنونی که انسان‌ها بیش از گذشته در برابر شرایط نامساعد و فشار آور زندگی قرار گرفته‌اند، مهاجران از این فشارهای روانی مبرا نیستند. تعلق‌نداشتن به دو فرهنگ ناشی از نابریدگی کامل از فرهنگ مبدأ و سازگار نشدن کامل با فرهنگ جامعه میزبان، فشارهای روانی زیادی را برای آن‌ها به بار می‌آورد. بر پایه دیدگاه اندیشمندان مختلف ممکن است عواملی چون مهارت‌های زبانی نامناسب، محدودیت منابع مالی و اجتماعی، سردرگمی برای پاسخ به یک محیط ناآشنا، تضاد بین ارزش‌های سنتی، هنجارها و آداب و رسوم و آنچه که در جامعه جدید وجود دارد و در نهایت استرس‌های فرهنگ‌پذیری این سلامتی را در بین مهاجران به خطر اندازد و به سطوح بالایی از فشارهای روانی برای آن‌ها منجر شود. این مقاله تأثیرات دو متغیر محرومیت نسبی و هراس اجتماعی را در استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده در شهر طبرس بررسی کرده است.

نتایج نشان می‌دهد رابطه معنی‌داری بین محرومیت نسبی و استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده وجود دارد. محرومیت نسبی مهاجران واردشده به جامعه مقصد یا فرهنگ جدید، امکان فرایند فرهنگ‌پذیری را برای آن‌ها مختل می‌کند و به کاهش میزان یکپارچگی و همچنین همانندی افراد با

فرایندهای فرهنگ‌پذیری جامعه مقصد و نیز به افزایش احساس جدایی و حاشیه‌نشینی با آن جامعه منجر می‌شود. این نتایج بر اساس دیدگاه بری (1998) بررسی‌پذیر است که معتقد است حاشیه‌نشینی، بالاترین سطح فشار روانی و به تبع آن بالاترین سطح استرس فرهنگ‌پذیری را دارد؛ زیرا در این استراتژی فرد نسبت به دو فرهنگ بیگانه می‌شود و دو استراتژی جدایی و همانندی نیز هر کدام سطوح متفاوتی از فشارهای روانی را برای مهاجران ایجاد می‌کند

از دیگر نتایج حاصل، رابطه معنادار بین هراس اجتماعی و میزان استرس‌های فرهنگ‌پذیری است. افزایش میزان هراس اجتماعی و اضطراب برای مهاجران واردشده به جامعه مقصد یا فرهنگ جدید، باعث کاهش میزان یکپارچگی و همانندی آن‌ها با فرایندهای فرهنگ‌پذیری جامعه مقصد و همچنین به افزایش احساس جدایی و حاشیه‌نشینی با آن جامعه منجر می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت هراس اجتماعی (اضطراب اجتماعی) به ترس شدید مهاجران از قرارگرفتن در موقعیت فرهنگی جدید منجر می‌شود و آن‌ها را در انطباق با فرایندهای فرهنگ‌پذیری دچار تنش می‌کند.

همچنین بین میزان تحصیلات و استرس‌های فرهنگ‌پذیری مهاجران واردشده، رابطه وجود دارد. از آنجا که تحصیلات، تعصبات فرهنگی را کاهش می‌دهد، به وسعت

مدت‌زمانی خاص برای مهاجران در این فرایند فرهنگ‌پذیری بتوانند کمک کنند. ج. درج تیزرهای تبلیغاتی در محیط‌های ورودی شهرها با خوش‌آمدگویی و بیان اصطلاحات فرهنگی دلنشین، ورود مهاجران را با خاطره‌ای خوب برای آن‌ها می‌تواند تداعی کند.

۲. هراس اجتماعی، متغیری است که در استرس‌های فرهنگ‌پذیری تأثیرگذار است. در این راستا برنامه‌های تلویزیونی با اطمینان خاطر دادن به افراد تازه‌وارد و رواج گسترش فرهنگ نوع‌دوستی و دیگرخواهی، میزان هراس اجتماعی افراد واردشده به فرهنگ جدید را می‌توانند کاهش دهند.

منابع

- اکبری، ن. (۱۳۸۲). *مهاجرت و سازگاری: پژوهشی در مورد ایرانیان مقیم امارات متحده عربی*، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- ایمان، م. و مرادی، گ. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین راهبردهای فرهنگ‌پذیری و سلامت روانی مهاجران شهر کرمانشاه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۰، ش پیاپی ۳۳، ص ۱۷۰-۱۴۷.
- بی، ا. (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه: فاضل، ر.، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: نایبی، ه.، تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۶۰). *کند و کاوها و پنداشته‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- غفاری، غ. ر. و ابراهیمی اویه، ع. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- فتحی آشتیانی، ع. (۱۳۸۸). *آزمون‌های روان‌شناختی: ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.

دید مهاجر نسبت به پذیرش مؤلفه‌های جدید و متفاوت فرهنگی می‌تواند کمک کند. همچنین یکی دیگر از متغیرهای مؤثر، وضعیت شغلی مهاجران واردشده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد افرادی که بیکار و در جستجوی کار هستند و به مهاجرت دست می‌زنند، استرس‌های بیشتری برای پذیرش و کنارآمدن با فرایندهای فرهنگ‌پذیری در جامعه مقصد دست می‌زنند. از آنجا که این افراد هیچ تضمین شغلی ندارند و از آن‌ها حمایت مالی نمی‌شود، در این راستا با مشکلات بیشتری مواجه خواهند بود. این نتیجه با دیدگاه لی (۲۰۰۴) هم‌خوانی دارد که یکی از عوامل پذیرش فرایندهای فرهنگ‌پذیری مهاجران در جامعه مقصد، داشتن شغل مناسب است.

در نهایت به وضعیت تأهل مهاجران واردشده به محیط‌های فرهنگی جدید می‌توان اشاره کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد افراد متأهل، میزان استرس بیشتری نسبت به مجردها برای سازگاری و کنارآمدن با محیط فرهنگی جدید دارند. می‌توان استدلال کرد افراد مجرد فقط دغدغه خاطر خود را در فرایند فرهنگ‌پذیری دارند؛ اما افراد متأهل مسئولیت سایر افراد خانواده را نیز دارند.

مطالعات اوتمن (۲۰۰۵) بر نقش نگرش‌های فرهنگ‌پذیری و استرس‌های فرهنگ‌پذیری در سلامت روانی، لی (۲۰۰۴)، تامپسون (۲۰۰۲) و کلب (۲۰۰۰) بر نقش سرمایه اجتماعی، شبکه‌های خویشاوندی و حمایت‌های عاطفی در سلامت روانی مهاجران تأکید دارند.

متناسب با نتایج حاصل از این پژوهش راهکارهای زیر را می‌توان ارائه داد:

۱. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، محرومیت نسبی در استرس‌های فرهنگ‌پذیری تأثیرگذار است. در این راستا پیشنهاد می‌شود: الف. در محیط‌های فرهنگی بزرگ که تنوع فرهنگی دارند؛ مانند شهرهای مهاجرپذیر، اماکنی رفاهی برای مهاجران تازه‌وارد با قومیت‌های مشابه و با هزینه پایین دایر شود. ب. برنامه‌های تلویزیونی با تنوع برنامه‌ها و اختصاص

- Mental Health Care". *Journal of Community Psychology*, 2(4):59-78.
- Koch, M.W. Bjerregaard, P. and Curtis, C. (2003) "Acculturation and Mental Health-empirical Verification of J.W. Berry's Model of Acculturation Stress". *Circumpolar Health Denmark*, 14:371-376.
- Kosic, A. (2004) "Acculturation Strategies, Coping Process and Acculturation Stress". *Scandinavian Journal of Psychology*, 46: 269-278.
- Landis, D. (2010) "Globalization, Migration into Urban Enters and Cross-Cultural Training", *International Journal of International Relations*, 32:337-348.
- Lee, J. S. Koeske, G. F. and Sales, E. (2004) "Social Support Buffering of Acculturation Stress: A Study of Mental Health Symptoms among Korean International Students". *International of Intercultural Relations*, 28:399-414.
- Moghaddas, A. A. & Amiri, A. M. (2006) *The process of Adjustment Acculturation of first and Second Generation of Migrants: The case of nomad Qashghaee Turks Migrants in in Shiraz, Iran*, European Population Conference Liverpool, UK, 21ST-24TH.
- Otmane, A. O. & Van D Vijver, F. R. (2005). "The Role of Demography Variable and Acculturation Attitudes in Predicting Socio-cultural and Psychological Adaptation in Moroccans in the Netherlands". *International Journal of Intercultural Relations*, 29:251-272.
- Padilla, A. M. and Perez, W. (2003) "Acculturation, Social Identity, and Social Cognition: A New Perspective", *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 25(1):35-55.
- Thompson, S. & Manderson, L. Woelz-Stirling, N. Cahill, A. and Kelaher, M. (2002) "The Social and Cultural Context of the Mental Health of Filipinas in Queensland". *Australian and New Zealand Journal of Psychology*, 36:681-687.
- Turner, R. and Killian, L. (1987) *Collective Behavior*. UK Englewood Cliffs.
- کیوسیتو، پ. (۱۳۸۳). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسنی، م.، تهران: نی.
- گار، ر. (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟*، ترجمه: مرشدی‌زاده، ع.، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: چاوشیان، ح.، تهران: نشر نی.
- لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*، شیراز: نوید.
- مرادی، گ. (۱۳۸۵). *بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با کیفیت سلامت روانی مهاجران*، مورد مطالعه: اسلام‌آباد غرب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- Azmat, F. (2010) "Exploring Social Responsibility of Immigrant Entrepreneurs: Do home Country Contextual Factors Play a Role?". *European Management Journal*, 28:377-386.
- Balbo, M. and Marconi, G. (2006) "International Migration, Diversity and Urban Governance in Cities of South", *Journal of Habitat International*, 30:706-715.
- Berry, J. W. (2005) "Acculturation: Living successfully in two Cultures". *International Journal of Intercultural Relations*, 2:697-712.
- Berry, J.W. (1998) "Acculturation stress". In P.B Organist & K.M.Chun (Eds.), *Reading in Ethnic Psychology*, New York: Rutledge.
- Bhugra, D. (2004) "Migration and Mental Health". *Act Psychiatry Scandinavia*, 23:243-258.
- Bjerregard, P. (2002) "Cultural Change and Mental Health in Greenland: The Association of Childhood Condition, Language and of Urbanization with Mental Health and Suicidal Thoughts among the invite Greenland". *Social Science & Mental Health Journal*, 45:33-48.
- Conor, K.M. Davidson, J.R. Churchill, L.E. Sherweed, A. Foa, E.B. (2000) "Psychometrics of the Social Phobia Inventory (SPIN)". *The British Journal of Psychiatry*, 176:379-386.
- Frank, G. Scott, W. Plunkett & Mark, P. Otten. (2010) "Perceived Parenting, Self-Esteem, and General Self-Efficacy of Iranian American Adolescents", *Journal of Child Family Studies*, 19:738-747.
- Kleber, R.J. & Knipscheer, J.W. (2000) "Ghanaian migrants in the Netherlands: General Health, Acculturative Stress and Vitalization of

